

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیات فارسی

سیر تحول وزن شعر فارسی از آغاز تا پایان قرن ششم

استادان راهنما :

دکتر حسین آقا حسینی
دکتر علی اصغر باباصفری

استاد مشاور :

دکتر اسحاق طغیانی

پژوهشگر :

اسراء السادات احمدی

شهریور ماه ۱۳۸۶

۱۰۵۱۶۳

کتابخانه ادبیات فارسی
دانشگاه اصفهان

۱۳۸۷ / ۱۵ / ۲۸

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی خانم اسراء السادات
احمدی

تحت عنوان

سیر تحول وزن شعر فارسی تا پایان قرن ششم

۱۳۸۷ / ۱۵ / ۲۸

در تاریخ ۸۶/۶/۲۵ توسط هیات داوران بررسی و با درجه عالی به تصویب رسید.

امضاء

با مرتبه علمی دانشیار

دکتر حسین آقا حسینی

۱- استاد راهنمای پایان نامه

امضاء

با مرتبه علمی استادیار

دکتر علی اصغر باباصفری

دکتر اسحاق طغیانی

۲- استاد مشاور پایان نامه

امضاء

با مرتبه علمی دانشیار

دکتر اسحاق طغیانی

۳- استاد داور داخل گروه

امضاء

با مرتبه علمی استادیار

دکتر محمدرضا نصر اصفهانی

امضاء

با مرتبه علمی استادیار

دکتر احمد امین

۴- استاد داور خارج از گروه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

امضای هیات داوران

گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه اصفهان

با سپاس از استادانم که بدون راهنمایی های آنها هرگز این رساله به انجام
نمی رسید، همچنین از اولین معلمانم پدر و مادر مهربان که ذوق آموختن را نخستین
بار به من چشاندند.

به وفاداری‌ها و صبوری‌های همسرم!

چکیده:

وزن یکی از مهمترین ارکان شعر شمرده می شود و حتی برخی وزن را جزء جدایی ناپذیر شعر خوانده اند. وزن شعر فارسی از جهت تعدد و تنوع و گوشنوازی و خوش آهنگی در میان ادبیات جهان کم نظیر است. همین خصوصیت سبب ماندگاری و جاودانگی برخی از آثار شاعران فارسی زبان شده است. شاید اگر آثار ماندگار زبان فارسی در این اوزان سروده نشده بود نمی توانست این همه جذب و شور را در انسان ایجاد کند. با توجه به اهمیت وزن در اشعار فارسی نگارنده در این رساله برآنست تا اوزان و بحرهای به کار رفته در شعر فارسی را در دوره های مورد بحث بررسی کند و با تکیه بر جدولهای آماری پرکاربردترین و کم کاربردترین اوزان و بحور را مشخص نماید باشد که پژوهشگران را سودمند افتد.

کلید واژه: عروض، موسیقی شعر، وزن شعر، شعر فارسی تا قرن ششم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مشهورترین زحافات شعر فارسی
	فصل اول : کلیات
۳	۱-۱ بیان مسأله‌ی تحقیق
۳	۱-۲ ارزش و اهمیت تحقیق
۴	۱-۳ پیشینه‌ی تحقیق
۴	۱-۴ روش کار
	فصل دوم : دوره‌ی صفاری
۷	۲-۱ حنظله‌ی بادغیسی
۸	۲-۲ محمد بن وصیف
۹	۲-۳ بسام کورد
۹	۲-۴ محمد بن مخلد
۹	۲-۵ محمود وراق
۱۰	۲-۶ فیروز مشرقی
۱۱	۲-۷ ابو سلیم گرگانی
	فصل سوم : شعرای دوره‌ی سامانی
۱۷	۳-۱ رودکی سمرقندی
۳۲	۳-۲ ابو الطیب مصعبی
۳۵	۳-۳ ابو شکور بلخی
۴۳	۳-۴ دقیقی
۵۰	۳-۵ کسای مروزى
۵۷	۳-۶ فردوسی
	فصل چهارم : دوره‌ی اول غزنوی
۶۰	۴-۱ فرخی سیستانی
۷۰	۴-۲ لبیبی

عنوان	صفحه
۴-۳ عنصری	۷۷
۴-۴ غضائری رازی	۸۱
۴-۵ عسجدی مروزی	۸۵
۴-۶ منوچهری دامغانی	۹۲

فصل پنجم : دوره غزنوی دوم

۵-۱ لامعی گرگانی	۱۰۲
۵-۲ ابو حنیفه اسکافی	۱۰۹
۵-۳ قطران تبریزی	۱۱۱
۵-۴ ناصر خسرو	۱۲۰
۵-۵ مسعود سعد سلمان	۱۲۹
۵-۶ عثمان مختاری	۱۴۱
۵-۷ معزی	۱۵۰
۵-۸ عمیق بخاری	۱۵۸
۵-۹ سنایی	۱۶۴
۵-۱۰ سید حسن غزنوی	۱۷۶

فصل ششم : دوره سلجوقی تا حمله مغول

۶-۱ شاعران خراسان	۱۸۶
۶-۱-۱ سوزنی سمرقندی	۱۸۶
۶-۱-۲ رشید وطواط	۱۹۷
۶-۱-۳ ادیب صابر	۲۰۶
۶-۱-۴ عبد الواسع جبلی	۲۱۳
۶-۱-۵ انوری	۲۲۲
۶-۱-۶ عطار نیشابوری	۲۳۲
۶-۲ شاعران عراق	۲۴۲
۶-۲-۱ قوامی رازی	۲۴۳

عنوان	صفحه
..... ۶-۲-۲ اثیر اخسیکتی	۲۴۹
..... ۶-۲-۳ جمال الدین عبد الرزاق	۲۶۰
..... ۶-۲-۴ ظهیر فاریابی	۲۶۹
..... ۶-۳ شاعران آذربایجان	۲۷۶
..... ۶-۳-۱ نظامی گنجوی	۲۷۷
..... ۶-۳-۲ فلکی شروانی	۲۸۵
..... ۶-۳-۳ خاقانی شروانی	۲۹۰
..... ۶-۳-۴ مجیربیلقانی	۳۰۵
..... سخن پایانی	۳۱۶
..... پیوست ها	۳۱۸
..... فرهنگ مشهورترین اوزان عروضی شعر فارسی	۳۲۸
..... منابع و مآخذ	۳۳۶

تعریف وزن شعر و اهمیت آن

در ادبیات جهان نظم و نثر دو گونه‌ی برجسته‌ی سخن ادبی به شمار می‌رود. بارزترین امتیازی که سخن منظوم را از مثنوی مشخص می‌کند دارا بودن وزن است. درباره‌ی وزن تعاریف گوناگونی ارائه شده است که تعریف ذیل از دیدگاه برخی از محققین کامل‌تر به نظر می‌رسد:

« وزن نوعی تناسب است، تناسب کیفیتی است حاصل از ادراک وحدتی در میان اجزاء متعدد. تناسب اگر در زمان واقع شود وزن نامیده می‌شود. »
(خواجه نصیر طوسی؛ ۱۳۶۳، ۳)

بیشتر محققان وزن را جزء جدایی‌ناپذیر شعر می‌خوانند و آن را بعد از تخیل و عاطفه مهمترین و مؤثرترین رکن شعر می‌دانند. چرا که هم ایجاد تخیل می‌کند و احساس را برمی‌انگیزد و هم شعر را نظام می‌بخشد. دکتر شفیع کدکنی اهمیت و تأثیر وزن شعر را در این موارد خلاصه می‌کند:

۱. لذت موسیقایی به وجود می‌آورد و این در طبیعت آدمی است که خواه ناخواه از آن لذت می‌برد.
۲. میزان ضربه‌ها و جنبش را منظم می‌کند.
۳. به کلمات خاص هر شعر تأکید می‌بخشد و امتیازی از نظر کشش کلمات ایجاد می‌کند.

(شفیع کدکنی؛ ۱۳۷۳، ۵۰)

همچنین می‌توان گفت که وزن در اشعار به خاطر سپردن آن را بسیار آسان می‌کند به طوری که یک شعر را ساده‌تر از یک متن مثنوی می‌توان حفظ کرد.

علم عروض

علم شناخت وزن شعر را عروض می‌نامند درباره‌ی وجه تسمیه‌ی آن اقوال مختلفی بیان شده است از آن جمله:
۱. « آن را از بهر آن عروض خوانند که معروض^۱ علیه شعر است، یعنی شعر را بر آن عرض کنند تا موزون از ناموزون پدید آید... و آن فعولی است به معنی مفعول. »

(شمس قیس رازی؛ ۱۳۶۳، ۲۴)

۲. در جایی دیگر آمده است که عروض « به معنی چوبی باشد که خیمه بدان قائم ماند و چون قوام بیت شعر به قسمت آخر مصراع اول است، این قسمت را مجازاً عروض خوانده اند و آنگاه از باب تسمیه‌ی کل به جزء، این فن را که از اجزای شعر بحث می‌کند عروض خوانده اند. »
(همان، ۲۹)

۳. عده ای دیگر معتقدند که در عربی ماده شتر توسن را عروض می گویند و چون شاعر باید وزن شعر را رام خود نماید آن علم را عروض خوانده اند.
(خانلری؛ ۱۳۶۷، ۸۴)

۴. همچنین گفته شده که «عروض لقب شهر مکه است و چون خلیل بن احمد این علم را در مکه وضع کرد آن را بدین نام خوانند».
(خانلری؛ ۱۳۶۷، ۸۴)

از میان این وجوه، وجه اول منطقی تر می نماید.

افاعیل عروضی

عروضیان اساس وزن عروضی را بر هشت اصل سالم نهاده اند که عبارتند از: «فاعلاتن، فاعلن، فعولن، مُتفاعِلن، مستفعلن، مفاعِلتُن، مفاعیلن و مفعولات». هر گونه تغییر در این افاعیل سالم را زحاف یا شاخه می نامند. مشهورترین زحافات افاعیل عروضی در جدولی پیش از فصل اول تنظیم شده است.

تقطیع

به قطعه قطعه کردن مصراع و تقسیم آن به هجاهای بلند و کوتاه تقطیع می گویند. برای مثال:

دست گیر ای جان که فرصت درگذشت پایمردی کن که آب از سر گذشت

(دیوان ظهیر فاریابی، ۲۳۱)

U _ U _ / _ _ U _ / _ _ U _

U _ U _ / _ _ U _ / _ _ U _

اختیارات شاعری

شاعر برای سهولت در کار سرودن شعر اختیارات محدودی دارد که به ضرورت وزن از آنها بهره می جوید این اختیارات به دو دسته تقسیم می شود:

۱. اختیارات زبانی:

حذف همزه: اگر قبل از همزه ی آغاز هجا حرف صامتی بیاید همزه را می توان حذف کرد.

محروم چنانم که ز حرمان بغایت بر حال من اعدای مرا هست ترحم

(دیوان جمال الدین عبد الرزاق، ۲۵۵)

در واژه ی «اعدای» همزه تلفظ نمی شود.

بهار از رشک طبع او همیشه اشکبار آید صبا از شرم خلق او همیشه ناتوان خیزد

(دیوان جمال الدین عبد الرزاق، ۱۰۸)

در مصراع دوم همزه ی «از» تلفظ نمی گردد.

تغییر کمیت مصوت ها : شاعر به ضرورت وزن می بواند مصوت کوتاه را بلند و یا بلند را کوتاه تلفظ کند .

نی، نی به دولت تو امیر سخن منم
عسکر کش من این نی عسکر نکوترست
جانم به حشمت تو نه غمناک، خرم است
کارم به همت تو نه بدتر، نکوتر است

(دیوان خاقانی شروانی، ۱۰۵)

در ابیات فوق این هجاها باید بلند تلفظ شود : «ت» در «دولت»، «ر» در «امیر»، «ش» در «عسکر کش»، «ت» در «حشمت» و «همت».

۲. اختیارات وزنی :

شاعر به ضرورت وزن می تواند یک هجای بلند و کوتاه را جابه جا کند به این اختیار قلب می گوئیم . مانند آوردن مفتعلن (_ U U) به جای مفاعیلن (_ U _ U) . کاربرد این اختیار در شعر فارسی بسیار نادر است .

کیست که پیغام من به شهر شروان برد
یک سخن از من بدان مرد سخندان برد

(دیوان جمال الدین عبد الرزاق، ۱۰۴)

_ U _ / _ U _ U / _ U _ / _ U U _
_ U _ / _ U U _ / _ U _ / _ U U _

همانطور که در بیت فوق مشهود است در مصراع اول رکن سوم به جای «مفتعلن»، «مفاعیلن» آمده است.

شاعر می تواند به جای دو هجای کوتاه یک هجای بلند بیاورد . به این اختیار شاعری تسکین می گوئیم مثلاً شاعر می تواند به جای فعلاتن (U U _) و مفتعلن (_ U U)، مفعولن (_ _) به جای فعلن (_ U U) فعل لن (_ _) به جای فعلات (U _ U U) فعلان (U _ _) به جای مفاعیلن (_ U U _ U) مفاعیلن (_ _ _ U) و به جای متفاعیلن (_ U _ U U) مستفعلن (_ U _ _) بیاورد.

مرا ز هاتف همت رسد به گوش خطاب:
«کزین رواق طنینی که می رود در یاب»

(دیوان خاقانی شروانی، ۷۴)

در رکن آخر مصراع دوم به جای فعلات (U _ U U) فعلان (U _ _) آمده است.

آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول .

نه نه ما را هنری نیست که گردون شکنیم
خوبشتن چند به فتراک هنر بر بندیم؟

(دیوان خاقانی شروانی، ۷۱۱)

نواقص علم عروض

علم عروض نیز مانند بسیاری از علوم که بشر وضع کرده است نواقصی دارد که برای استفاده‌ی هر چه بهتر از این علم باید آنها را رفع کرد .

۱. با توجه به اینکه وزن هر شعر وجه ممیزه‌ی آن از شعر دیگر است بنابراین بحور و زحافات مشکلی را از وزن شعر حل نمی‌کند و به خاطر سپردن همه‌ی این زحافات یادگیری علم عروض را بسیار مشکل می‌کند.

۲. پس از تقطیع برخی از ابیات، نظمی در تقسیم هجاها به ارکان مختلف نمی‌توان یافت:

در کوی تو غم ز شادمانی خوشتر مردن ز حیات جاودانی خوشتر
(مدرسی؛ ۱۳۸۴، ۳۲۸)

وزن بیت: $_ _ _ / _ _ _ U / _ _ _ U / U _ _ _$: مفعول / مفاعیلن / مفاعیلن / فع

همانطور که در بیت فوق مشاهده می‌شود بیت به یک رکن سه تایی، دو رکن چهارتایی و یک رکن یکتایی تقسیم شده است و هیچ نظمی در این میان دیده نمی‌شود.

سبحان الله جهان نبینی چون شد دیگر گون باغ و راغ دیگرگون شد
(دیوان منوچهری دامغانی، ۱۸۲)

وزن بیت: $_ _ _ / _ _ _ U / _ _ _ U / _ _ _$: مفعولن / فاعلن / مفاعیلن / فع

در این بیت هم این بی نظمی مشهود است.

۳. هجاهای برخی از ابیات را پس از تقطیع به چند صورت می‌توان تقسیم بندی کرد و با هر تقسیم بندی در بحری جداگانه قرار داد:

گل بهاری، بت تتری نییذ داری، چ را نیاری
(رودکی؛ ۱۳۷۳، ۱۱۲)

مفاعلاتن / مفاعلاتن : رجز مربع مخبون مرفل $_ _ _ U _ _ _ / _ _ _ U _ _ _$

مفاعیلن / فع / مفاعیلن / فع : مضارع مثنی مقبوض $_ _ _ / _ _ _ U _ _ _ / _ _ _ / _ _ _ U _ _ _$
مطموس

فَعولُ / فع لن / فَعولُ / فع لن : متقارب مثنی مقبوض ائلم $_ _ _ / U _ _ _ / _ _ _ / U _ _ _$

منشأ وزن شعر فارسی

درباره‌ی منشأ وزن شعر فارسی نظریات گوناگونی داده شده است هر کدام از اندیشمندان درباره‌ی درستی عقیده و نظر خود دلایل فراوانی بیان کرده اند از آن جمله:

۱. عده‌ای معتقدند وزن شعر فارسی از عروض عرب گرفته شده است مانند علامه قزوینی، دکتر زرین کوب، دکتر طه حسین و... این دسته از ادیبان دلایل خود خود را این گونه بیان می‌کنند که از اشعار فارسی که قبل

از اسلام سروده شده باشد چیزی در دسترس نیست که با توجه به اوزان آن بتوان نظری دقیق درباره‌ی منشأ وزن شعر فارسی ارائه داد.

۲. کسانی که منشأ وزن شعر فارسی را شعر هجایی و ضربی پیش از اسلام می‌دانند که به تدریج وزن شعر فارسی از هجایی و ضربی به کمی تغییر یافته است مانند ملک الشعراء بهار. این دسته از محققان می‌گویند ایرانیان بعدها قواعد عروضی را بر مبنای عروض عرب نوشتند و برخی از اصطلاحات آن را در شعر خود به کار بردند.

۳. کسانی که اعتقاد دارند وزن کمی شعر فارسی منشأ ایرانی دارد و از اشعار قبل از اسلام گرفته شده است. نمی‌توان گفت که پیش از اسلام شعری وجود نداشته است چون به یکبار امکان ندارد که شاعران فارسی زبان شروع به گفتن شعر کنند و در مدت کوتاهی اینقدر شعر و شاعری رواج پیدا کند. همانطور که در فصول بعد خواهیم دید آنقدر اشعار اولین شاعران پارسی گو وزنی پخته دارد که نمی‌توان گفت قبل از اسلام شعری وجود نداشته و یا اشعار موزون نبوده است. هر چند گاهی در اوزان اشعار اولیه اشکالات عروضی به چشم می‌خورد اما بیشتر این اشعار بر مبنای قواعد عروضی سروده شده و وزنهایی دلنشین و لطیف دارد که تمام این اوزان در دوره‌های بعد به وفور دیده می‌شود.

اگر وزن شعر فارسی از عروض عرب و اوزان شعر عربی گرفته شده بود تا مدتها می‌بایست ایرانیان بر همان اوزان مشهور و رایج شعر عرب اشعار خود را بسرایند تا آگاهی لازم را در این زمینه به دست آورند و بتوانند دخل و تصرفی در این اوزان کنند و وزن‌هایی جدید را ابداع کنند. اما همانطور که در این پژوهش خواهید دید شاعران پارسی گو به ندرت بحر‌های رایج شعر عرب چون بحر وافر و کامل و طویل و مدید را به کار گرفتند. در اشعار شاعران دوره‌ی صفاری و سامانی فقط یک بحر وافر را در اشعار رودکی می‌بینیم و ابو الطیب مصعبی در یکی از اشعار عربی خود بحر کامل را به کار برده است نه در اشعار پارسی. همچنین قصیده‌ی رودکی را می‌توان در بحور دیگر نیز که در صفحات قبل به آن اشاره شد قرار داد. بحر وافر و کامل در اشعار فارسی بیشتر به صورت سالم به کار رفته و همانطور که شمس قیسی و خواجه نصیر گفته‌اند یکی از دلایلی که باعث کاربرد این بحور در شعر فارسی شده است نشان دادن هنر و مهارت شاعران در اوزان عروضی می‌باشد.

برای روشن شدن هر چه بهتر این موضوع و آشنایی با نظریات دانشمندان نظر چند تن از آنان را در این باره بیان می‌کنیم:

الول سائن: « نفوذ نظریه‌ها و اصول عرب بر اوزان شعر فارسی به قدری شدید بوده که بسیاری از محققان شرقی و غربی را گمراه ساخته و تصور کرده‌اند رابطه‌ی تنگاتنگی میان دو نظام عروض فارسی و عربی است.»
(وحیدیان کامیار؛ ۱۳۷۰، ۲۰)

مسعود فرزاد چنین می گوید : « مطالعه‌ی اوزان شعری رودکی ثابت می کند عروض ایرانیان در زمان او نه تنها از عروض عرب در آن زمان ، بلکه از عروض عرب در یازده قرن بعد از او (یعنی امروز) نیز بسی پیشرفته تر و وسیع تر بوده است » .
(فرزاد ؛ ۱۳۴۹ ، ۴۹۷)

شبلی نعمانی : «بحرهای خاص فارسی هیچ شباهتی به بحرهای عرب ندارد و اهل عروض ، آنها را خواهی نخواهی به صورت زحاف درآورده و داخل بحرهای عرب کرده اند» . (شبلی نعمانی ؛ ۱۳۳۶ ، ۸۴)

جرجی زیدان : « شگفت آن که عرب ها همه نوع برتری برای قریش قایل بودند جز شعر و شاعری که قریش را در آن بی بهره می دانستند . و شاید آمیزش با ایرانیان افکار شاعرانه‌ی اعراب را برانگیخته باشد .»
(جرجی زیدان ؛ ۱۳۵۵ ، ۴۲۴)

پس از این مقدمه‌ی کوتاه در شش فصل به مبحث اصلی خود می پردازیم . امید است خوانندگان در آن به دیده‌ی انصاف بنگرند و این بضاعت مزجات را از نگارنده بپذیرند .

مشهور ترین زحافات شعر فارسی

نام زحاف	فاعلاتن	مفاعیلن	فعولن	فاعلن	مفعولات	مفاعلتن	مفاعلن
۱ فاع	مسلوخ ^(۱)	ازل	—	—	مجدوع	—	—
۲ فاعلات	مقصور	—	—	—	—	—	—
۳ فاعلات	مکفوف	—	—	—	مطوی	—	—
۴ فاعلاتن	—	—	—	مرقل	—	—	—
۵ فاعلن	محدوف	اشتر	مرفوع	—	مطوی مکشوف	اجم	—
۶ فاعلیاتان	موسع	—	—	—	—	—	—
۷ فاعلیان	مضفی	—	—	—	—	—	—
۸ فاعلیان	مسیخ	—	—	—	—	—	—
۹ فاع	میجوف ^(۱)	ایتر	—	ایتر	منحور	—	—
۱۰ فاعل	مربوع	مجبوب	—	—	—	—	—
۱۱ فاعل	—	—	—	انترم	—	—	مرقل
۱۲ فاعلات	مخبون مقصور	—	—	—	—	—	—
۱۳ فاعلات	مشکول	—	—	—	مخبون مطوی	—	—
۱۴ فاعلاتن	مخبون	—	—	—	—	—	مقطع
۱۵ فاعلتن	—	—	مخبول	—	—	—	—
۱۶ فاع لان	اصلم مسیخ	—	—	احد مسیخ	—	—	—
۱۷ فاعلن	مخبون محدوف	—	—	—	مخبون مطوی مکشوف	—	احد
۱۸ فاع لن	اصلم	—	—	احد	مقطع	—	—
۱۹ فاعلیاتن	مخبون موسع	—	—	—	—	—	—
۲۰ فاعلیان	مخبون مسیخ	—	—	—	—	—	—
۲۱ فاعول	—	اهتم	—	مقصور	—	—	—
۲۲ فاعول	—	—	—	مقبوض	—	—	—
۲۳ فاعولان	—	مقصور	—	—	مخبون موقوف	—	—
۲۴ فاعولن	—	محدوف	—	—	مخبون مکشوف	مقطف	—
۲۵ مُفاعلاتان	—	—	—	—	—	—	مطول
۲۶ مُفاعلاتن	—	—	—	—	—	—	مرقل
۲۷ مُفاعلان	—	—	—	—	—	—	مذال
۲۸ مُستفعلاتان	—	—	—	مطول	—	—	—
۲۹ مُستفعلاتن	—	—	—	مرقل	—	—	—
۳۰ مستفعلان	—	—	—	مذال	—	—	مضمم مذال
۳۱ مُستفعلن	—	—	—	—	—	—	مضمم
۳۲ مُفاعلاتان	—	—	—	—	—	—	—
۳۳ مُفاعلاتن	—	—	—	—	—	—	—
۳۴ مُفاعلان	—	مقبوض مذال	—	—	—	—	—

٣٥	مفاعِلن	—	مقبوض	مخبون	—	—	مقبول	موقوض
٣٦	مفاعيل	—	مكفوف	—	—	مخبون	—	—
٣٧	مفاعيلن	—	مقصور	—	—	—	—	—
٣٨	مفاعيلان	—	موسع	—	—	—	—	—
٣٩	مفاعيلان	—	مسيغ	—	—	—	—	—
٤٠	مفاعيلن	—	—	—	—	—	مصوب	—
٤١	مفاعيلان	—	—	مطوى مطول	—	—	—	—
٤٢	مفاعيلان	—	—	مطوى مرقل	—	—	—	—
٤٣	مفاعيلان	—	—	مطوى مذال	—	—	—	—
٤٤	مفاعيلن	—	—	مطوى	—	—	—	اخزل
٤٥	مفعول	—	مخفق مقصور	—	—	—	—	—
٤٦	مفعول	—	اخرب	—	—	مرفوع	عقص	—
٤٧	مفعولان	—	—	—	—	موقوف	—	—
٤٨	مفعولن	مشكث	اخرم	مقطوع	—	مكشوف	قصم	—

(١) نام ديگر: مجحوف مسيغ

(٢) نام ديگر: مطموس

فصل اول

کلیات

۱-۱ بیان مسأله ی تحقیق :

نگارنده ی این سطور بر آنست تا فرهنگی مختصر برای دانشجویان و دستداران ادبیات ارائه دهد تا با استفاده از آن یافتن بحرها و وزنهای دیوان هر شاعر و زحافات خاص هر بحر سهل گردد و خوانندگان به آسانی بتوانند با ویژگیهای عروضی دیوان هر شاعر و هر دوره آشنا گردند. هر چند که ممکن است در این رساله نواقصی یافت شود ولیکن امید است استادان گرامی و صاحب نظران با اشارات و راهنمایی های خود، نگارنده را در رفع کاستی های آن یاری رسانند.

۱-۲ ارزش و اهمیت تحقیق :

از این رساله می توان به عنوان یک فرهنگ مختصر عروض استفاده کرد. مزیت آن بر دیگر فرهنگهای نوشته شده در این زمینه آنست که اشعار هر شاعر جداگانه طبقه بندی شده است و در ابتدا پس از ذکر نام هر شاعر اوزان نادر و کم کاربردی را که در دیوان آن شاعر آمده ذکر گردیده و مشخص شده است که هر شاعر

از کدام بحر بیشتر بهره می‌جوید. همچنین در ذیل نام شاعران آمده است که برای تمرین و یافتن اوزان هر بحر می‌توان به دیوان کدام شاعر رجوع کرد.

۳-۱ پیشینه‌ی تحقیق :

پیش از این نیز مقاله‌های دیگری درین باب نوشته شده است. در بیشتر آنها فقط به ذکر اوزان به کار رفته در دیوان یک شاعر پرداخته‌اند و مقاله، کتاب یا رساله‌ای که به ذکر اوزان و نکته‌های عروضی چند دوره از شعر فارسی پردازد یافت نشد. همچنین نارسایی برخی از این مقالات در آن است که به بررسی تعداد محدودی از اشعار یک شاعر پرداخته‌اند و به حکم مشت نمونه‌ی خروار است ارزیابی و قیاسی کلی درباره‌ی اوزان دیوان یک شاعر کرده‌اند. نام برخی از این مقالات در کتابنامه درج شده است.

۴-۱ روش کار :

پس از مطالعه و بررسی دیوان هر شاعر مطلع هر شعر نوشته شده و وزن و بحر آن در ذیل بیت ذکر گردید. اگر اختیاری شاعری و یا نکته‌ای عروضی در بیت مشاهده می‌شد که به فهم وزن بیت کمک می‌کرد در ذیل آن یادآوری گشت. همچنین اگر در مطلع شعری اشکالی دیده می‌شد یا فرض بر آن می‌رفت برای اطمینان بیشتر با دیگر نسخه‌ها و تصحیح‌های آن دیوان مقایسه شد تا وجه صحیح و درستی از آن در رساله ثبت گردد. سپس تمامی فیش‌ها دسته‌بندی شده و پس از آنکه نام شاعران هر دوره مشخص گشت در ابتدای هر فصل مشخصات شعری آن دوره و ویژگی‌های بارز وزنی و عروضی آن آورده شد و اوزان دوری هر دوره و اوزان و بحور نادر و کم کاربرد در آن دوره مشخص گردید. بحرهای و قالب‌های شعری به کار رفته در هر دوره در جدولی در ابتدای هر فصل تنظیم گشت. برای استفاده‌ی هر چه بیشتر خوانندگان در ابتدای فصل اول جدولی با عنوان مشهورترین زحافات شعر فارسی طراحی شد تا خوانندگان به راحتی بتوانند تمامی زحافات و اسامی آنها را از جدول مزبور استخراج کنند. برای هر شاعر نیز جداگانه جداگانه آمده که جدول نخستین بحرهایی که شاعر در قالبهای مختلف در آن شعر سروده با ذکر تعداد اشعاری که در آن بحر در دیوان شاعر وجود دارد ثبت گشته است. و در جدولهای بعدی زحافات هر بحر